

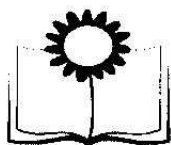
من، وینِ موفق

داستان زنی معلول در میان افراد سالم

وین‌کلی چارلز

مترجم: هاجر میرمنگره

چاپ اول - ۱۴۰۰



نشر آوا

سرشناسه: چارلز، وین کلی، ۱۹۸۷-م.

Charles, Win Kelly, 1987

عنوان و نام پدیدآور: من، وین موفق: داستان زنی معلول در میان افراد سالم / نویسنده: وین کلی چارلز؛ هاجر میرمنگره.

مشخصات نشر: تهران: آوات، ۱۴۰۰. مشخصات ظاهری: ۱۱۶ ص: ۱۴/۵ در ۲۱/۵ سم.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۹۱۶-۷-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: I, win: Hope and Life my journey as a disabled woman living in a non-disabled world, 2012

عنوان دیگر: داستان زنی معلول در میان افراد سالم.

موضوع: چارلز، وین کلی، ۱۹۸۷-م. موضوع: Charles, Win Kelly, 1987. موضوع: بیماران فلج مغزی-

ایالات متحده-سرگذشتنامه. موضوع: Cerebral Palsied - United States - Biography

شناسه افزوده: میرمنگره، هاجر، ۱۳۵۵-، مترجم

رده‌بندی کنگره: RC۲۸۸

رده‌بندی دیویی: ۶۱۶/۸۴۶:۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۴۷۶۳۰۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

من، وین موفق

داستان زنی معلول در میان افراد سالم

نویسنده: وین کلی چارلز

مترجم: هاجر میرمنگره

طراح جلد: عمادالدین فراهانی

ناشر: نشر آوات- تهران - ۱۴۰۰

♦ چاپ: اول ♦ چاپ و صحافی: تفرید

♦ شمارگان: ۳۰۰ ♦ قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

تلفن و ایمیل انتشارات: avat.pub@gmail.com

فهرست

۷		مقدمه
۱۴		فصل ۱
۲۹		فصل ۲
۵۰		فصل ۳
۶۶		فصل ۴
۷۶		فصل ۵
۸۹		فصل ۶
۹۷		فصل ۷
۱۰۱		فصل ۸
۱۰۵		درباره نویسنده

مقدمه

بیشتر افراد با دیدن نقاشیام از دریاهاى آبی شفاف، گل‌هاى غوطه‌ور در رنگ‌هاى آتشین و حیوانایی که انگار می‌تونن از قاب نقاشی به آغوشت بپرن، تعجب می‌کنن. چون تصور می‌کنن که یه هنرمند معلول، حتماً نقاشی‌هاى خیلی غمگینی می‌کشه.

اما من این طور نیستم! من تو زندگىم هرگز یه نقاشى سرد و بی‌روح نکشیده‌م و فکر نمى‌کنم که هرگز بخوام چنین کارى بکنم. من با بیان داستان زندگىم، راز نقاشى کردن زندگى در رنگ‌هاى درخشان و جسورانه و همراه با امید رو باهات در میون می‌ذارم.

من می‌خوام بل ارتباطی‌ای رو بین افراد سالم و افراد معلول بسازم. هر کدوم از ما ناتوانی آشکار یا نهانی داریم. برای هر یک از ما، چیزی وجود داره که وجودمون رو تو تنگنا قرار می‌ده و زندگى رو به یه مبارزه تبدیل می‌کنه. صرف نظر از نوع ناتوانی، ما به هم نیاز داریم و می‌تونیم از تجربیات هم استفاده کنیم.

معلولیت من آشکاره. من با فلج مغزى متولد شده‌م؛ یه نوع آسیب مغزى که معمولاً موقع تولد رخ می‌ده و رو بخشای زیادی از بدن اثر می‌ذاره. درمورد من، این آسیب مغزى بیشتر روی توانایی گفتارى و هماهنگی عضلاتم اثر گذاشته.

بعضیا فقط ظاهر دیگران رو می‌بینن، بنابراین فکر می‌کنن که من باید ناشنوا، نابینا یا عقب‌افتاده ذهنی باشم، درسته؟ اما هیچ‌کدوم از اینا

نیستم! اگه مادری مصمم و شجاع نداشتم، مسخره‌شدنم و نادیده گرفته‌شدنم می‌تونست برام بسیار دردناک باشه. مامانم به من یاد داد که می‌تونم هر کاری انجام بدم و به همه چیز پیروز بشم. حق با اون بود، چون الان تو شرایط خیلی سخت هم موفق عمل می‌کنم. سال ۲۰۰۶ برا اصلاح حرکتی‌م یه جراحی ستون فقرات انجام دادم که قرار بود توانایی حرکتی‌م رو بهتر کنه، اما عملاً وضعیتم رو بدتر از قبل کرد.

بعد از اون، سال ۲۰۱۰، مامانم در اثر آنوریسم^۱ مغزی فوت شد. اون تکیه‌گاه و مراقب من بود، کسی که من بهش «مغز دوم» می‌گفتم. اون زمان ۲۴ سال کمتر داشتم و بعضیا روی آینده من شرط‌بندی می‌کردن.

پس، من نمی‌خوام بهت بقبولونم که زندگی یه کارخونه بزرگ خوشبختیه. مشکلات من و به دره‌های به‌شدت تاریک سوق داد، اما من یاد گرفته‌م که اگه به حرکت ادامه بدی، تاریکی مسیر تنها بخشی از سفره. اگه حاضر به توقف نباشی، تاریکی‌ها چیزی جز مناظری گذرا نیستن. هر کاری می‌کنی، فقط متوقف نشو! به تلاش و جستجو ادامه بده، در نهایت از تاریکی بیرون خواهی آمد.

من به این ایمان دارم؛ چون دو مورد از تلخ‌ترین دوران زندگی‌م که بی‌اغراق وحشتناک بود من و به بزرگترین شادی‌ها و موفقیت‌هام رسوند.

۱. به بزرگ شدن یا بیرون‌زدگی دیواره سرخ‌رنگ دراز صعب دیواره و افزایش قطر آن آنوریسم گوید. (منبرجم)